

مدیرعامل فیدیبو از افزایش محبوبیت کتاب‌های صوتی می‌گوید

کتاب صوتی، نسخه نجات‌بخش برای بحران مطالعه در ایران

ماجرای پایین‌بودن سرانه مطالعه در ایران، همچنان محل بحث و جدل فراوان است. از یک سو برخی با اتکا به آمارهای رسمی، از بی‌نتیجه‌بودن سیاست‌گذاری‌های فرهنگی درباره بالا بردن سرانه مطالعه در کشور سخن می‌رانند و از سوی دیگر، برخی دیگر به‌افزونه‌ها و شیوه‌های امروزی مطالعه در حرف‌هایشان اتکا می‌کنند و می‌گویند کتاب‌های الکترونیک و حتی پادکست‌ها و کتاب‌های صوتی، بخش درخور توجهی از سرانه مطالعه ایرانیان را به خود اختصاص داده است اما در آمارها چندان سخنی از آن‌ها به میان نمی‌آید. درحالی‌که عادت‌های فرهنگی و روش‌های کسب دانش امروزه دستخوش تحولی شگرف شده‌است و دراین‌میان، کتاب صوتی به‌عنوان یکی از نوآوری‌های مؤثر و محبوب در عرصه نشر و فرهنگ، جایگاه خود را به‌سرعت تثبیت کرده است.

امیر بهدانی، مدیرعامل فیدیبو، به‌عنوان یکی از پلتفرم‌های مهم انتشار کتاب‌های الکترونیک و کتاب‌های صوتی ایران در گفت‌وگویی که به‌تازگی با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) داشته است، از چشم‌اندازها و امیدواری‌ها و البته نگرانی‌های حوزه نشر کتاب و افزایش سرانه مطالعه در ایران حرف زده است. آنچه می‌خوانید، گزیده‌ای است از حرف‌های او.



● **چرا انتشار کتاب صوتی در ایران هنوز پرهزینه و زمان‌بر است، حتی وقتی پلتفرم‌ها به سرعت درحال رشد هستند؟**

● کتاب‌های صوتی از جنبه‌های مختلف، یک سرمایه‌گذاری بلندمدت محسوب می‌شوند. هرچند تولید آن‌ها پیچیدگی‌ها و هزینه‌های اولیه قابل توجهی دارد، به دلیل ماهیت محتوایی آن‌ها، امکان درآمدزایی در طول زمان وجود دارد. این امر به‌ویژه برای ناشران صوتی می‌تواند به‌تدریج بازده مالی مناسبی ایجاد کرده و تولید این نوع محتوا را توجیه‌پذیر کند. علاوه‌براین به نظر می‌رسد که برای افزایش بهره‌وری در فرایند تولید کتاب‌های صوتی، باید راهبردهایی برای کاهش هزینه یا انتخاب بهینه محتوا در نظر گرفته شود. چنین رویکردهایی می‌تواند به انتشار بیشتر کمک کند و اطمینان حاصل شود که هیچ کتاب ارزشمندی از تولید نسخه صوتی بازمانده است.

درباره رشد پلتفرم‌های کتاب صوتی، با وجود سرعت نسبی گسترش این حوزه، شاید بتوان گفت که تعداد پلتفرم‌های فعال به اندازه‌ای نیست که تحول چشمگیری در این زمینه مشاهده شود.

● **بازار کتاب صوتی ایران در مقایسه با جهان چه وضعیتی دارد؟ آیا رشد مخاطب واقعی است یا بیشتر تبلیغاتی؟**

● در مقایسه با بازار جهانی، سهم بدی در کتاب‌های صوتی نداریم، اما باید توجه کرد که جایگزین‌های شنیداری دیگری مثل پادکست هم وجود دارند. پادکست‌ها به دلیل محبوبیتشان، بخشی جدی از بازار محتوای صوتی را به خود اختصاص داده‌اند، اما هرکدام ویژگی‌ها و مخاطبان مخصوص به خود را دارند و اکنون، کتاب‌های صوتی و پادکست‌ها رشد شایان توجهی در جامعه داشته‌اند.

● **چقدر امید دارید کتاب صوتی بتواند بخشی از بحران مطالعه در کشور را جبران کند؟**

● کتاب‌های صوتی، گزینه بسیار مناسبی برای مطالعه هستند، زیرا می‌توانید در مواقعی مثل زمان گिरافتادن در ترافیک یا هنگام سفر با مترو به آن‌ها گوش دهید. حتی شب‌ها، وقتی درحال انجام کارهای شخصی خود هستید، فرصت دارید از کتاب‌های صوتی بهره ببرید. درواقع، این نوع کتاب‌ها برای مدیریت زمان و افزایش دسترسی به مطالعه، گزینه‌ای فوق‌العاده هستند و به نظر من تأثیر قابل توجهی در آینده خواهند داشت.

● **به نظر شما چه تغییرات یا حمایت‌های فرهنگی لازم است تا تولید کتاب صوتی در ایران پایدارتر شود؟**

● این مسئله به سیاست‌های دولت در حمایت از محصولات فرهنگی و بهره‌گیری درست از ابزارهای تبلیغاتی بازمی‌گردد. در این‌میان، باید فضایی فراهم شود که تولیدکنندگان محتوا، مثل صدایپیشه‌ها، با آزادی بیشتری بتوانند فعالیت کنند. مدیریت ارزشیابی و ممیزی نیز باید بهتر کنترل شود و فرایند صدور مجوزها تسهیل گردد. البته بخش عمده‌ای از کار را خود ناشران صوتی پیش می‌برند، اما حمایت‌های مشخص و هدفمند وزارت ارشاد می‌تواند نقش مهمی در بهبود وضع موجود داشته باشد. نکته‌ای که باید به آن پرداخت، موضوع کیفیت کتاب‌های صوتی است. اکنون، شاهد افزایش تولید این نوع کتاب‌ها هستیم، اما بسیاری از آن‌ها کیفیت مناسبی ندارند. این موضوع به دلیل فقدان نظارت کافی بر تولید محتوای صوتی به وجود آمده است. اینکه هر فردی بتواند بدون رعایت استانداردهای لازم اقدام به تولید کتاب صوتی کند، منجر به نارضایتی مخاطبان شده است. به این ترتیب، وقتی مخاطب برای خرید یک کتاب هزینه می‌کند، اطمینان خواهد داشت که محتوای خوبی دریافت می‌کند. این امر نه تنها رضایت مصرف‌کننده را بیشتر می‌کند، بلکه تصویر کلی بازار کتاب‌های صوتی را نیز بهبود می‌بخشد.

البته همچنان انتخاب و سلیقه مخاطب نهایی تعیین‌کننده است. بازار نشان داده است که با وجود فراوانی محتوا، کتاب‌های صوتی باکیفیت همچنان سهم بیشتری از فروش را به خود اختصاص می‌دهند و بیشتر شنیده می‌شوند. اعتماد مخاطبان به پلتفرم‌هایی با محتوای باکیفیت و ارائه تجربه شنیداری مناسب، نقش مهمی در این میان ایفا می‌کند. درنهایت باید گفت نظارت کیفی بر محتوای تولیدشده امری ضروری است، اما محدودیت‌های شدید یا صدور مجوزهای بیش از حد ممکن است راه مناسبی نباشد. بهتر است اجازه دهیم انتخاب نهایی برعهده مخاطب باشد و با ایجاد رقابت سالم میان تولیدکنندگان محتوا، کیفیت آثار افزایش یابد. همچنین پلتفرم‌ها باید با جلب اعتماد کاربران خود، نقش فعالی در ارزیابی و نمایش محتوای باکیفیت ایفا کنند.

● **برخی معتقدند کتاب صوتی باعث سطحی شدن مطالعه می‌شود؛ شما چه پاسخی به این انتقاد دارید؟**

● ما یک کالای مکمل هستیم، نه یک جایگزین. همیشه همراه شما خواهیم بود. شما نمی‌توانید هم‌زمان ۵۰ هزار کتاب فیزیکی با خود داشته باشید، اما پلتفرم‌های کتاب صوتی این امکان را فراهم کرده‌اند که به‌سادگی و در هر شرایطی مطالعه کنید. با داشتن فقط یک گوشی و یک هندزفری می‌توانید در مسیرهای روزانه مثل مترو، تاکسی یا حتی محل کار، همچنان به خواندن ادامه دهید. به راحتی می‌توانید در زمان‌های آزاد خود حد اکثری بیست تا سی صفحه از کتاب‌های مورد علاقه‌تان را مرور کنید؛ امکانی که بدون شک با کتاب‌های چاپی نمی‌توان به آن دست یافت.

زندگی زیر نگاه ناظر بیرونی

اهمیت کتاب «چشم خدایگان، تاریخ اجتماعی هوش مصنوعی» در چیست؟



روشن کند. «چشم خدایگان، تاریخ اجتماعی هوش مصنوعی» حاصل تحقیق و تفحص‌های ابن پژوهشگر است. او کوشیده است در این کتاب، ابتدا، از چستی هوش مصنوعی بگوید و بعد، میان نظریه‌های مختلفی که در این حوزه وجود دارد و مطرح می‌شود، سنتزی ارائه کند. هوش مصنوعی به مثابه تقسیم کار، الگوریتم، تفکر الگوریتمی، ابزارهای مادی تفکر الگوریتمی، عصر صنعتی و مسئله ماشین‌آلات و عصر اطلاعات و خودکارسازی تشخیص الگو و خودکارسازی هوش عمومی، همه از مضامین و مفاهیمی است که ذیل این موضوع کلی در این اثر به آن‌ها پرداخته می‌شود و در فهرست کتاب به چشم می‌خورد. این کتاب که سهیل رضانژاد آن را ترجمه کرده است، در شصت و دومین نشست جمعه‌های پردیس کتاب مشهد با همراهی مهدی فیروزان و جمعی از علاقه‌مندان به سازوکار هوش مصنوعی و جلش‌های آن معرفی شد.

محبوبه عظیم‌زاده/هوش مصنوعی، کار با بسترهای مختلفی که استفاده از این هوشمندسازی را برای ما ممکن می‌کند، تأثیری که بر کار زندگی و فعالیت‌های ما می‌گذارد، تغییرات و سهولتی که ایجاد می‌کند و حتی ترس از ترسیم آینده‌ای که قرار است در جوار هوش مصنوعی برای ما رقم بخورد، چیزی است که همه ما در همین مدت ظهور و بروز هوش مصنوعی، تجربه کرده‌ایم. در باب بررسی جایگاه این پدیده، تاکنون نقد و نظریه‌ها و مکتوبات زیادی عرضه شده است. متشو پاسکوینینی، یکی از چهره‌های فعال این حوزه است که محصول ویژه‌ای را در این زمینه برای مایه ارمغان آورده است. او، به صورت ویژه، در حوزه «مطالعات انتقادی هوش مصنوعی»، اندیشه کرده است و مهم‌تر از آن، تلاش کرده تا خط‌وربط این وادی را با دیگر حوزه‌ها چون سیاست و ارتباطات و جامعه‌شناسی، بر همگان



داد و گفت: «هوش مصنوعی ما را رصد می‌کند و از کار ما تقلید می‌کند. اما نه به این معنا که این روبه باعث می‌شود انسان‌ها به جایی برسند که نیازی نباشد کار کنند، بلکه حتی نیازی است بیشتر و شدیدتر هم کار کنند. مثلاً در حوزه ترجمه، هوش مصنوعی باعث شده کارفرما از مترجم انتظار داشته باشد در همان بازه زمانی قبل، خروجی و ترجمه بیشتری به‌او تحویل بدهد. این اتفاق در همه حوزه‌ها رخ می‌دهد نه فقط ترجمه کتاب و این فقط یکی از پیامدهایی است که به دلیل رویایی با یک فرم الگوریتمی با آن روبه‌رو هستیم. پیامد دیگر، میان مایگی فرهنگی است که پیش‌رویمان قرار می‌گیرد. به این معنا که هوش مصنوعی همه خلاقیت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد ما را نادیده می‌گیرد و چندان برایش اهمیتی قائل نیست. درواقع از ما کار خیلی خوبی نمی‌خواهد و فقط همین که بد نباشد کافی است، یعنی به دنبال یک چیز میانه است.»

تاریخ هوش مصنوعی از دل محاسبات اجتماعی و سیاسی

این کتاب‌رامی‌توان در سه بخش کلی تقسیم‌بندی کرد. فصل نخست که به روش‌شناسی و مقدمات می‌پردازد و دو بخش تاریخی اصلی که به ترتیب

درباره نویسنده، متشو پاسکوینینی
متشو پاسکوینینی، استاد فلسفه علم دانشگاه کافوسکاری و نیز از اندیشمندان برجسته حوزه «مطالعات انتقادی هوش مصنوعی» است. او در سال‌های اخیر کوشیده است حوزه‌های پژوهشی متوعی از جمله اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی کار، علوم ارتباطات و فلسفه ذهن و زبان را درهم بپیمیزد. کتاب حاصل مطالعات و سنتز پژوهش‌هایی است که پیش‌تر و در سال‌های اخیر در چندین مقاله ارائه شده بود. این کتاب تاکنون دست‌کم به ده‌دازه زبان از جمله چینی و روسی و عربی و ترکی ترجمه شده و اخیراً نیز جایزه یادبود ایزاک و تامارا دوویچر را دریافت کرده است، جایزه‌ای که از سال ۱۹۶۹ هرساله به بهترین و نوآورانه‌ترین کتاب در حوزه یا درباره سنت مارکسیستی تعلق می‌گیرد.

درباره کتاب «نگاهی به ادب پارسی» نوشته آصفه آصفی که پس از نیم‌قرن بازچاپ شده است

دری به گلزار سخن پارسی

کنیم. از این رو طبیعی است به کسانی توجه خواهیم کرد که تأثیرشان وسیع و پایدار بوده است. مخصوصاً آنان که فارسی امروز بدیشان بسیار مدیون است.»
آشنا کردن مخاطب با برخی مفاهیم ادبیات فارسی همچون علم لغت، علم معانی، علم بیان، علم عروض، علم بدیع، علم قافیه، شعر، مصراع، مطلع، قصیده، غزل و... که باز بسیار کوتاه و مختصر و ساده نوشته شده. از دیگر بخش‌های پیشگفتار است که می‌تواند برای ورود مخاطب به جهان ادبیات فارسی بسیار راهگشا و روشنگر باشد.

درباره نویسنده

نشر مروارید در معرفی نویسنده کتاب نوشته است: آصفه آصفی در اوایل دهه ۱۳۰۰ شمسی در تهران چشم به جهان گشود. او پس از اتمام دوره‌های دبستان و دبیرستان در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران تحصیل کرد. وی سپس به فرانسه رفت. در رشته تعلیم و تربیت درس خواند و در سال ۱۳۴۱ درجه دکتری دریافت کرد. در بازگشت، وی علاوه بر دانشسرای عالی در دوسه دانشکده دیگر هم به تدریس پرداخت. همچنین در سال ۱۳۴۶ انجمن اولیا و مربیان را در ایران بنیاد گذاشت و سر دبیری نشریه این انجمن به نام «مکتب

است که عبارت‌اند از: از مداین تا بغداد، عصر زرین، عصر ناصر خسرو، عصر انوری، عصر سعدی، عصر حافظ، عصر جامی، عصر وحشی، عصر صائب، عصر حزین، عصر قائم مقام، عصر قائی، عصر ایرج و ادبیات معاصر. او در پیشگفتار ابتدا تعریفی از ادبیات داده است و سپس تاریخی ساده و کوتاه از زبان و خط فارسی. هدف کتاب از بخش‌های دیگر در پیشگفتار آمده که نویسنده آنچه را که قرار است خواننده با آن روبه‌رو شود، توضیح داده است، «هر فصل از این کتاب به یک قرن اختصاص دارد. در بند اول هر فصل، مجملی ادبی آن قرن، در بندهای بعدی، در هر یک قرار خواهد گرفت. در پایان هر فصل، کتاب‌نامه درخور عرضه می‌شود تا هرکسی که مایل به مطالعات ویژه بیشتری باشد، بتواند با مآخذ مورد علاقه‌اش آشنا شود. در این کتاب، آنچه مورد علاقه ماست، فعالیت ادبی اشخاص است، یا کارها و حوادثی است که موجب رونق یا رکود این فعالیت شده است. سعی بر این است تا تأثیر محیط، معاصران و پیشینیان را در فعالیت‌های ادبی یک فرد، همچنین تأثیر کار او را در محیط، معاصران و آیندگان بررسی

خادم»
نگاهی به ادب پارسی» اثری است از آصفه آصفی که نخستین بار سال ۱۳۵۲ منتشر شد و نشر مروارید به تازگی آن را پس از ۵۲ سال بازچاپ کرده است. مخاطب اصلی این کتاب کسانی هستند که می‌خواهند با ادبیات فارسی و تاریخ آن آشنا شوند. آصفی خود در مقدمه، درباره ماجرای نوشتن کتاب چنین توضیح داده است: «امسال اولیای محترم مدرسه عالی علوم اداری و بازرگانی قزوین از نویسنده خواستند تا کتابی کوچک در کیفیت سیر ادبیات فارسی برای مطالعه دانشجویان فراهم کند. از این لحاظ، این کتاب جنبه فنی و انتقادی ندارد و سعی شده است تا همچون دری باشد بر گلزار عطرآگین سخن رودکی، فردوسی، خیام، عطار سعدی، مولوی، حافظ و سخنوران بسیار دیگر.»

همان طوره که آصفی اشاره کرده این اثر «دری است بر گلزار» سخن پارسی. او در ادامه مقدمه یادآور شده است که: «درباره موضوعی بدین پهناوری، در کتابی چنین خرد، چندان چیزی نمی‌توان گفت، جز آنکه توجه خواننده به نام‌های جاودان، به شاهکارها و آفریندگاش معطوف گردد و ارزش و اهمیت مطالعه بیشتر درباره آنان یادآوری می‌شود.»
علاوه بر پیشگفتار، این اثر شامل چهارده فصل

به عصر صنعتی و عصر اطلاعات اختصاص دارند. با این همه، این کتاب تاریخچه خطی فناوری و خودکارسازی را پی نمی‌گیرد. برعکس، هر فصل را می‌توان همچون «کارگاه مستقلی درباره مطالعه فعالیت‌های الگوریتمی و هوش ماشینی» خواند. نویسنده، در این کتاب، دو هدف اصلی را پی می‌گیرد. ابتدا صورت‌بندی تازه‌ای از چستی‌هوش مصنوعی ارائه می‌کند و آن را با «ماشینی‌سازی تقسیم کار» یکسان می‌بیند. در قسمت بعد، می‌کوشد میان «نظریه خودکارسازی کارمحور» و دو دسته از نظریه‌های دیگر خودکارسازی، یعنی نظریه‌های خودکارسازی ارزش‌محور و نظریه‌های خودکارسازی دیدگاه‌محور، سنتزی (هم‌نهاد) ارائه کند.

چشم خدایگان را باید از نخستین و مهم‌ترین آثاری دانست که تاریخ هوش مصنوعی را نه از زاویه پیشرفت فنی، بلکه از دل محاسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بازخوانی می‌کند. پاسکینینی –فلسوف علم و از چهره‌های شاخص مطالعات انتقادی هوش مصنوعی– در این کتاب با نقد روایت‌های رایج «از بالا» نشان می‌دهد که هوش مصنوعی بیش از آنکه تقلیدی از شناخت انسانی باشد، ادامه و تشدید منطق تقسیم کار، خودکارسازی و کنترل در سرمایه‌داری صنعتی و پسا صنعتی است.

به عنوان مثال، نویسنده با پیوند دادن نظریه فرایند کار اقتصاد سیاسی و تاریخ فناوری، استدلال می‌کند که الگوریتم‌ها و ماشین‌های هوشمند در خلأ شکل نگرفته‌اند، بلکه برپایه الگوهای تاریخی سازمان‌دهی کار، استخراج ارزش و نظم‌بخشی به دیدن و تصمیم‌گیری ساخته شده‌اند. از این منظر، هوش مصنوعی، نه یک گسست رادیکال، بلکه تلاطم و ساختارهای اجتماعی گذشته در قالبی محاسباتی است.



سهیل رضانژاد: هوش مصنوعی ما را رصد می‌کند و از کار ما تقلید می‌کند، اما نه به این معنا که این روبه باعث می‌شود انسان‌ها به جایی برسند که نیازی نباشد کار کنند، بلکه حتی نیاز است بیشتر و شدیدتر هم کار کنند

مهدی فیروزان، مدیرعامل شهر کتاب و همراه این نشست، نیز دقایقی با مخاطبان خود از جایگاه هوش مصنوعی و نقش آن در زیست و زندگی روزمره سخن گفت و اشاره کرد، باید بگویم این کتاب در زمان بسیار مناسبی به دست ما رسیده است. زمانی که کتاب‌های آکادمیک و غیر آکادمیک زیادی در این باره وجود دارد و سخن گفتن از این موضوع، شهادت و جرئت زیادی می‌خواهد. چون شما باید برای حرف‌هایی که بیان می‌کنید، استدلال‌های فراوان و دقیقی بیاورید. او همچنین این نکته را یادآوری کرد که درباره هوش مصنوعی دیدگاه‌های خوش‌بینانه و بدبینانه زیادی وجود دارد، اما باید در نظر داشت که هیچ‌کدام از این دیدگاه‌ها به طور مطلق مثبت یا منفی نخواهد بود.



نگاهی به ادب پارسی از روزگار کهن تا عصر نو
نوشته آصفه آصفی
نشر مروارید، ۱۴۰۴
۴۱۸ صفحه
۶۲۰ هزار تومان

ما» را برعهده گرفت. او در دهه‌های ۱۳۵۰-۱۳۴۰ مقاله‌ها، کتابچه‌ها و کتاب‌های متعددی در موضوع چگونگی تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در خانه و مدرسه ترجمه و تألیف و منتشر کرد. یکی از دانشکده‌هایی که او در آن به تدریس پرداخت، مدرسه عالی علوم اداری و بازرگانی قزوین بود. او در سال ۱۳۵۲ کتابی با عنوان «نگاهی به ادب پارسی» برای این مدرسه عالی تألیف کرد. این کتاب، که در چهارده فصل، سبزی در نظر و نثر فارسی اغلب براساس چهره‌های شاخص در ادوار مختلف از روزگار کهن تا عصر نو است، به لحاظ ذوق ادبی مؤلف و تسلط او بر روش‌شناسی درچه و مقدمه بسیار خواندنی و مناسبی برای شناساندن ادبیات فارسی به مخاطبان عام‌تر است.